



روزنامه
شَرَق
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه پروادان غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹
نمابر: ۸۸۹۸۶۸۴۸
تلفن آگهی‌ها: ۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۲۳۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۱۶ اذان مغرب ۱۸:۰۸ اذان صبح فردا ۵:۰۹ طلوع آفتاب ۶:۳۲

نقد فرهنگ

نگاهی به نمایش ویتسک

رنج انسان معمولی



● **روبرت مسافران**

● تئاتر ما، تا آنجا که من دیدم، همانند فیلم‌نامه‌نویسی و سینمای ما، داستان ما و... به شدت تکنیک‌زده است. این امر تا حدودی ناشی از جوانی و کم‌تجربگی دست‌اندرکاران آن است و تا حدودی از نبود حرف (یا امکان‌ناپذیری بیان آن) که باعث می‌شود کارگردان و هنرمند برای نمایش توانایی‌هایش، میدانی جز میدان تکنیک نمی‌یابد و الحق استعدادها در این زمینه کم نیستند. اما با هنرنمایی تکنیکی در زمینه صحنه‌آرایی و نور و صدا و... ۱۰، ۲۰ دقیقه بیشتر نمی‌توان تماشاگر را نگاه داشت. متن نمایشی قوی چیزی است که می‌توان بر بستر آن و برای درآوردن بهتر آن، توانایی‌های تکنیکی استفاده کرد.اما در بسیاری از نمایش‌های ما متن یا قوی نیست یا صرفاً پهلنهای است. برای زورآزمایی در زمینه فن. برای من تئاتر تصویر نیست. بازی است، شخصیت است و درام است و بنیان همه اینها متن نمایشی قوی است. با این پس‌زمینه، با اگر اه رقتم به تماشاای «ویتسک» به کار گرثانی رضا ثروتی، اما خوشحالم که رقتم ویتسک نیز از آفتی که گفتم بی‌بهره نیست. اما در آن چیزی هست که نجاتش می‌دهد.

ایرادات این نمایش کم نیستند. از صحنه‌ای که به هر رو یک سوش را از دست می‌دهی بگیر تا اصرار بر اجرای هر شگرذ ممکن و تعداد بالای ایده‌ها که ما را از تمرکز بر هسته اصلی ماجرا دور می‌کند و... اما در این نوشته می‌خواهم درباره حسن‌های کار صحبت کنم. معجزه‌ای اتفاق افتاده است. در این گبرودار تکنیکی، در میان تاخت‌ناخ راه رفتن و دویدن بازیگران روی یک چوبی صحنه، روح ماجرا از بین نرفته است.

«ویتسک» رضا ثروتی و همکارانش به شدت فنی است، از دکور غیرعادی آن گرفته تا صداسازی و حرکات غیرعادی و لباس‌ها و گریم به‌شدت اغراق‌آمیز، از آویزان شدن بازیگران از سقف تا اسکیت‌بازی کردن بر صحنه‌ای که اصلا شکلس مانند میدان‌های اسکیت در پارک‌هاست. در میان این شلوغی، داستان وروابط آدم‌ها، تا جایی، دشوار می‌شود. اما به‌تدریج، وقتی می‌توانی نسبت کاراکترها با یکدیگر را تا حدودی بفهمی، به خصوص از وقتی که مثلث عشقی، داستان زن و خیالت و... به محور قصه بدل می‌شود (و گفتم باید این اتفاق زودتر می‌افتاد)، کار جان می‌گیرد. در میان این فضای تکنیک‌زده روحی جاری است که مدیون توانایی‌ها و هنر کارگردان و بازیگران و هنرمندان صدا و گریم و... دیگران است. با وجود بخش‌های نسبتاً زیادی که داستان گم می‌شود، ما در پایان می‌توانیم رنج ویتسک، این کارگر-سرباز را که باید شب و روز عرق بریزد، در دنیایی که پرزشت-فیلسوف و سرمایه‌دار-فرمانده، این نمایندگان قدرت و ثروت، بر آن مسلطند، حس کنیم. استفاده از بازیگر برای نمایش جسم (و عذاب جسمانی این مرد معمولی) و روح او (و اندوه عمیقش) شگرد خوبی است برای نمایش درد عمیق انسان معمولی.

رفتار غیرواقع‌گرایانه، مانند زنی که پول را با دهانش می‌گیرد و اسکیت‌بازی به نشانه گذران لحظاتی خوش در دنیای ملال‌آوری که زیر آسمانش جز کار نیست و وظایف پیچمداری و خانه‌داری (که چه خوب در سطلی که قنداق بچه هم هست با هم تلفیق شده‌اند)، همه خوانند و صدای گوشه‌وارها (وا صدا) و آن گوش‌های گنده. این جایی است که معجزه اتفاق می‌افتد. تکنیک که معمولاً ملال‌آور می‌شود، اینجا شدت است و وسیله بیان می‌شود.

بن‌بست آدم معمولی در دنیای فقر و جنگ و تحقیر و... به گم‌گم باید نمایش از متن «بوشتر» خیلی منحرف شده باشد. اما چیزی از روح بوشتر، این انقلابی‌نبیک سده نوزدهمی آلمان که ۲۴ سال بیشتر نزیست، باید در کار مانده باشد. ویتسک چیزی از طراحي‌های کثه کلوش‌دار دارد. بدین آلتن آلمانی ملطیان علیه شرایط طاق‌خف‌راسی آدم‌های معمولی سده نوزدهم آلمان اما اگر تا امروز قابل فهم است، باید، روحش با روح درماندگی و حقارت آدم معمولی امروز نیز در دنیایی قدرت و ثروت هماهنگ‌باشد.

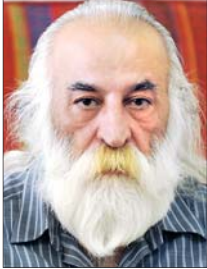
برایم پرسش است که این روح چطور جان سالم به در برده است؟ رضا ثروتی آن را حس کرده، بازیگران آن را حس کرده‌اند، آیا انبوه تماشاگرانی که در تئاتر دیدم آن را حس می‌کنند؟ آیا آنها برای دیدن قدرتمندی هنرمندان در زمینه بازی و نور و دکور و صحنه‌آرایی به تماشاای این نمایشنامه آمده‌اند یا ارتباطی بین موقعیت انسان زجرکشیده دستش از همه جا کوتاه و زجری که می‌کشد و این تماشاگر برقرار می‌شود.

تالار حافظ پر بود و چه خوشحال‌کننده چه غیظ‌انگیز در مقایسه با سالن‌های خالی سینما که در طول سال گذشته بهترین کارهای سینمایی ایران را در سالن‌های خالی آنها دیدم و این استقبال با وجود بلیت ۲۰هزارتومانی است که تماشاای آن را برای او نفر با حواشی‌اش به دست کم ۱۰هزار تومان می‌رساند، یعنی بیشتر از ۱۰ درصد حداقل حقوق ویتسک امروزی. تئاتر امروز زنده‌تر است و چه خوب به گمانم در کار ثروتی و در اندیشه تئاتری او، تکنیک سنگین‌تر از درام است و باز فکر می‌کنم اگر او با سنگین‌تر کردن کفه درام، تعادل بهتری میان این دو برقرار کند، به نتایجی درخشان‌تر از این نیز دست خواهد یافت.

گزارش روز

در کنسرت «محمدرضا لطفی» و گروه «شیدا» عنوان شد

تلاش برای اجتماعی‌تر شدن موسیقی گذشتگان



شرق: روزهای پایانی سال شاهد اجرای بزرگان موسیقی هستیم. همانطور که «شهرام ناظری» از نهم اسفند به مدت چهار شب در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی کنسرت دارد، در بخش دیگری از تهران «محمدرضا لطفی» به همراه گروه «شیدا» آوازهایی را در دو بخش آواز بیات اصفهان و چهارگاه اجرا کردند. گروه بازسازی شیدا که در

سال ۱۳۸۶ با هدف تداوم بازسازی و مرمت آثار گذشته، تاسیس شد. روزهای دهم و یازدهم اسفند کنسرت خود را در فرهنگسرای نیاوران اجرا کردند. در اولین شب این کنسرت، لطفی در دقایق آغازین و بعد از اینکه ماهیار تمسکی نوازنده سنتور، رضا پروینزاده نوازنده کمانچه، محمدامین اکبرپور نوازنده تار، محمد میرزایی نوازنده نی، حسین حدت نوازنده عود، سهیل الله‌دادیان نوازنده تمبک و سجاد مهرپری را به عنوان خواننده معرفی کرد، از تلاش‌های آنها تعریف کرده و گفت که تمرین‌های این گروه به اندازه صد سال می‌آرزد. او سپس درباره فعالیت گروه شیدا در بازسازی آثار گذشته سخن گفت: «می‌توان کاری را بازسازی کرد که تنها در موزه حفظ می‌شود. هرچند موسیقی ایران قدیمی است، عتیقه نیست همانطور که شعر حافظ و مولانا عتیقه نیست و بعد از ۷۰۰ سال کاربرد فرهنگی و اجتماعی دارد.»او در بخشی از حرف‌هایش به این موضوع اشاره کرد که در بازسازی آثار گذشته باید به سلیقه امروزی هم اهمیت داد: «معتقدم بازسازی آثار گذشتگان باید جوری باشد که مورد توجه مردم یا حداقل شاگردان موسیقی قرار بگیرد و این موضوع بدون ذوق هنری ممکن نمی‌شود. اگر روزی در کنار بازسازی‌ها ذوق و سلیقه هنری بالا رود ما می‌توانیم

قلم‌انداز

های‌وهوی تمدن‌ها



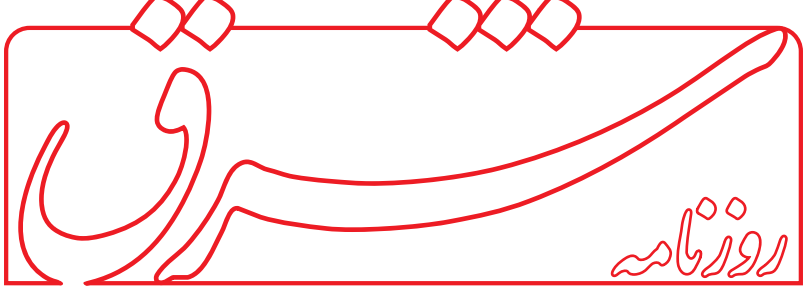
● **سیروس ابراهیم‌زاده**

● یکی از ویژگی‌های پارسی پاسلداری شده. همچون دیگر زبان‌های زنده دنیا، این است که واژگان را از بیگلتان می‌گیرد، طی زمان خون فرهنگ خودی را به آن تزریق می‌کند، در معانی دلخواه و همگون با روح و اندیشه کهن دبار خویش به کار می‌گیرد. مثلا کلمه «کثافت» در لغت عرب ۵۰۰-۱۴۰۰ سال پیش به معنی تراکم یا فشردگی بوده و پس از رسوخ به زبان نیاکان زنده‌یام ما به‌تدریج گندش بالا آمده و معادل با«لودگی» به کار رفته است. سرنوشت کلمه «سرویس» فرنگی به تامل بیشتری نیاز دارد. بعد از حدود یک قرن «سرویس» را در مفاهیمی به کار می‌بریم که صادرکنندگان آن تصورش را هم نمی‌کردند. به عنوان مثال تجهیز و نظیف‌یام‌کن عمومی با «سرویس بهداشتی»، «سرویس کردن عضو فوقانی» برخی و البته «سرویس مدرسه» کودکان دلبن‌یام که دعای خیر و سلامت به راهشان باد... و اما در عصر جله‌جایی حقیقت و مجاز و شبازدگی الکترونیکی روزگار، کلماتی را که غرب وحشی به سوس ما پرتاب می‌کند می‌گیریم، تر و فرزند شیم و تنبان تنشان می‌کنیم و از گردشان کار می‌کشیم. ● کلمه LOBBY که در زبان انگلیسی به کار می‌رود گویا ریشه آلمانی و معانی متعدد دارد، از جمله «سراسر» و «سالن انتظار» برای مکان و در کاربرد فعل «تحت تاثیر قرار دادن دیگران در باورهای سیاسی» است و ما امروزه به معنی‌ای دیگر آن را «کمزازه» به کار می‌گیریم. البته کار بدی نیست، به فرهنگ لغات خویش و غنای زبان پرتوان پارسی می‌افزاییم، واژه مستعدی است. حتی

رویداد

رونمایی از کتاب جدید «اسلامی ندوشن»

شرق: «محمدعلی اسلامی ندوشن» در برنامه رونمایی از جلد چهارم «روزها» گفت حرف‌های ناگفته زیادی داشته که نتوانسته آنها را در زندگینامه‌اش بیاسورد. آخرین جلد از کتاب «روزها» که سرگذشت زندگی محمدعلی اسلامی ندوشن را در بر دارد عصر پنجشنبه دهم اسفند در کتابخانه وزیری شهر یزد با حضور نویسند این کتاب و جمعی از استادان ادبیات فارسی رونمایی شد. کسانی که برای رونمایی از این کتاب در کتابخانه جمع شده بودند بارها با احترام برای کسی که به گفته آنها به شهر یزد اعتبار به‌شکاف کف زدن، اسلامی ندوشن در این برنامه بعد از قدرانی از کسانی که این برنامه را برای او و کتاب «روزها» تدارک دیده‌اد، گفت هرچند زندگینامه‌اش تمام شده ولی حرف‌های ناگفته زیادی داشته که نتوانسته آنها را در این کتاب بیاسرد. «روزها» چهار جلد است و بین جلد سوم و چهارم آن حدود ۱۰ سال اختلاف زمانی هست. یکی از دلایل این اختلاف



شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۴ ۲ مارس ۲۰۱۳
دهم شماره ۱۶۸۵ ۱۲صفحه + ۲۴صفحه ضمیمه

بازی «دیوید لینچ» در فیلم دخترش

مهر: «دیوید لینچ»، کارگردان مشهور آمریکایی موافقت کرده تا در فیلم دخترش جنیفر لینچ که با عنوان «سقوط از نعمت» ساخته می‌شود، بازی کند. در این فیلم تیم راث در نقش کار آگاهی از سن لوئیز که در پی حل ماجرای یک قتل سریالی است، بازی می‌کند و دیوید لینچ نقش پدر او را برعهده گرفته است. یاز وگا و ویلو شیلدز هم به این پروژه پیوسته‌اند و انتظار می‌رود فیلم‌برداری این فیلم تابستان شروع شود. جنیفر لینچ فیلم‌نامه این فیلم را با همکاری اریک ویلکینسون نوشته است.



▲ **حمید صوفی**
hamicatoor@yahoo.com



ثبت یک تولد



▲ **بیژن ترقی** ▲ **ترانه‌سرا**

برگ خزان از شاخه چدامانده بیژن ترقی، حتما بخشی از ذهن خاطره‌پرداز ایرانی‌هاست. شاعری که ترانه و تصنیف‌هایش به ساز نوازندگان بی‌متابی چون پرویز یاحقی، علی تجویدی و روح‌الله خالدی و... انگین شد و با آواز خوانندگان خوش‌صدای زیادی به خاطره ایرانی‌ها پیوند خورد. او

زاده ۱۲اسفند سال ۱۳۰۸ خورشیدی در شهر تهران بود. شاعری که گفته می‌شود «سبک تازه‌ای را وارد ترانه‌سرایی ایران کرد.» به گفته محمود خوشنام، «هم‌تراز نقش ترقی، تقویت جنبه‌های روایی و داستان‌گونه‌کردن ترانه‌ها و افزودن جنبه‌های تصویری به آنهاست.» او که سروکارش با نشر و کتاب بود، از دبیران به‌دلیل رفتارآدم‌شاعران بزرگی مثل گلچین معانی، امیری فیروزکوهی و شهریار به‌خانه پذیرش‌ش سرذوق آمده بود، راه پدر در پیش گرفت و بعد از موفقیت‌های زیاد در ترانه‌سرایی و خلق آثار جاودانه، چهارم‌ردیبهشت‌۱۳۸۸دار فانی را وداع گفت.



▲ **آنتونیو ویوالدی** ▲ **آهنگساز**

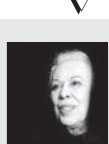
«چهار فصل» شاهکار این «کشیش موزم» است. آنتونیو لوچو ویوالدی (به ایتالیایی: Antonio Lucio Vivaldi) آهنگسازی چیردهست که در چهار مارس ۱۶۷۸ در روزی پراشوب در شهری روی آب به دنیا آمد. درهم‌تنیدگی طبیعت و زندگی موسیقی ویوالدی را اغنای ویزمای داد، چنانچه به گفته متخصصان موسیقی شاهکار ویوالدی، «چهارفصل» است که بنا به نظر نرسنجی در سال ۲۰۰۰ محبوب‌ترین قطعه تاریخ موسیقی کلاسیک به حساب می‌آید. ویوالدی در روز ۲۸ ژوئیه ۱۷۴۱ میلادی در شهر وین اتریش درگذشت.



▲ **پیر پائولو پازولینی** ▲ **کارگردان**

پنج‌مارس ۱۹۲۲ پیر پائولو پازولینی در شهر بولونای ایتالیا به دنیا آمد. اگرچه پایان زندگی‌اش بسیار تلخ و دهشتناک بود و روز دوم نوامبر ۱۹۷۵ در مخروبه‌ای نزدیک «اوستی» به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسید اما او شاعر، کارگردان و نویسنده معاصر ایتالیایی است که بسیاری او را یکی از برجسته‌ترین هنرمندان و روشنفکران ایتالیا می‌شمارند. فیلم «سالو، یا ۱۲۰ روز» آخرین اثر این فیلمساز معروف است که به گفته منتقدان آثارش آمیزه‌ای از شعر، استعاره، اسطوره‌شناسی، روانشناسی و دیالکتیک مارکسیستی است.

گزارش یک مرگ



▲ **سیمین دانشور** ▲ **نویسنده**

نخستین زن ایرانی که به صورتی حرفه‌ای داستان نوشت «سیمین دانشور» بود. نویسنده و مترجمی که با اثر پرشور و مآبیش «بوشوشن» خود را به عنوان شخصیتی مستقل مطرح کرد. خون سیاوش‌ن ادبیات البته هرگز او را راه نکرد و او اگرچه همسر جلال آل‌احمد از نویسندگان برجسته ایرانی بود اما به عنوان نویسنده‌ای مستقل راه خود را پیش گرفت. او متولد شهر پیشینهار، شیراز بود و جزو نخستین زنان ایرانی است که دکترای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران گرفت. سیمین بنا به روایتی به تشویق صادق هدایت و استاد راهنمایش فاطمه سیاح داستان‌نویسی را به صورت جدی ادامه داد. از دانشور همواره به عنوان یکی بنیانگذار جریانی پیشرو و خالق آثار کم‌تظیر در ادبیات داستانی ایران نام‌برده می‌شود. او در هجدهم اسفندماه سال ۱۳۹۰ در خانه‌اش در تهران درگذشت.



▲ **آنا آخمتائووا** ▲ **شاعر**

آنا آخمتائووا شاعر «جوج‌گرای» روسی که نام خانوادگی‌اش (آخمتاوا) را از مادرش به ارث برد که ریشه‌ای تاتاری دارد و او را از نسل گنگیز معرفی می‌کند، زیر سایه استبداد استالینیستی نوآست آثار باشکوهی در ادبیات روسیه خلق کند. روزی گفت: «بیا و سرافنی از من بگیر، می‌دانم باید جایی در این نزدیکی‌ها باشی/ بیا که تنهای تنهاییم/ در حسرت صدای بال کیوتر پیام» سال‌های آخر عمر آن‌را شرار از فعالیت ادبی بود. او خداسبت‌یاد بود ولی حاضر نشد جلای وطن کند. با اعدام همسر سلیش و فضای خفقان‌آوری که حکومت استالین حکمفرما کرده بود در صف نازاضیان جای گرفت و به زندان رفت. در روز پنجم‌مارس ۱۹۶۶ در حوالی مسکو در گذشت.



▲ **ژوزف استالین** ▲ **دیکتاتور**

«یوسف ویسارینوویچ گوگوشلی» رهبر و سیاستمدار کمونیست شوروی بود. او در شهر گوری جرجستان و در ۱۸ دسامبر ۱۸۷۸ به‌دنیا آمد. در ۱۹۲۲ به مقام دبیر کل حزب رسید. پس از مرگ ولادیمیر لنین، استالین موفق شد رهبر حزب شود. او در دهه ۱۹۳۰ تصفیه بزرگی را آغاز کرد که به کمپینی از سرکوب سیاسی، دستگیری و قتل مخالفان معروف است که در ۱۹۳۷ به اوج رسید، روش استالینی را در جهان بنیان نهاد که تا امروز شیوه حکومت‌های مستبد در برخورد با مخالفان را به استالینی تعبیر می‌کنند. او درگذشت پنج‌مارس ۱۹۵۳ در مسکو است.

از هر نظر بی‌ضرر

خبرت هست که در شهر شکر ارزان شد



▲ **پوریای عالمی**

● **هزینه‌سیاسی**

: دادا پس چی می‌گن زندانی سیاسی هزینه داره؟

اینجا که همه‌چی‌ش مجانی‌یه، شام مجانی، ناهار مجانی، صبحونه مجانی، آب و برق مجانی، حمام مجانی.

- یه‌تا چی دیگه هم هست شما از قلم انداختی.

: چی‌چی‌یه‌س؟

- اینجا در قفله، وقت و بی‌وقت یه‌تا مهمون پا نمی‌شه شام و ناهار بیاد خونه آدم.

: پس من زنگ بزنم منزل، بگم آ خانوم بچه‌ها فعالیت سیاسی کنند بیان اینجا، آ خیلی مقرون به صرفه‌س!

انگیزه‌سیاسی

: سین: شما چرا کار سیاسی می‌کنی؟

: جیم: برای اینکه آمار بیکاری در کشور بیاید پایین.

: سین: پس چرا کار اقتصادی نمی‌کنی؟

: جیم: چون فامیل‌هامون سیاستمدار نیستند.

لایک‌سیاسی

: زدن لایک سیاسی در این سایت ممنوع است.

تغذیه‌سیاسی

: سین: از کجا تغذیه می‌شدی؟

: جیم: اوایل از مادرم. اما بعدها که بزرگ‌تر شدم

از شیشه شیر. در این سال‌های اخیر هم از یخچال

تغذیه‌می‌شدم.

منبع‌سیاسی

: سین: منبع شما کجا بود؟

: جیم: ما منبع را روی پشت‌بام گذاشته بودیم.

کلیه‌سیاسی

: سین: کلیه اقدامات، کلیه روابط، کلیه اهداف، کلیه

آمال، کلیه ازوها و کلیه خاطرات خود را بنویسید.

: جیم: ببخشید این سوال چند نمره داره؟

: سین: نیم نمره.

ادای‌سیاسی

: سین: کلیه دوستان خود را با رسم شکل توضیح

دهید.

: جیم: ببخشید ما نقاشی‌مون خوب نیست. نمی‌شه

اداشون رو در بیاوریم؟

ضرب‌المثل‌سیاسی

: بیرون زندان: کوه به کوه نمی‌رسد، دیوار به دیوار

نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد.

: در زندان: تنها کسی که به آدم می‌رسد و

رسدگی می‌کند دیوار است.

مخبّر الدوله

اختتامیه جشنواره شعر و ادب ششمه

● مراسم اختتامیه دومین دوره جشنواره شعر و ادب

ششمه از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۸ امروز در ایوان شمس،

واقع در ابتدای بزرگراه کردستان برگزار می‌شود.

در این برنامه که شامل شعرخوانی، نقالی و اجرای

موسیقی توسط سالارعبیلی است، برگزیدگان این

دوره جشنواره معرفی می‌شوند. حضور در این مراسم

برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

نشست سفرنامه‌نگاری

به یاد «ایرج افشار»

● **مهر:** به مناسبت دومین سالگرد درگذشت

زنده‌یاد استاد «ایرج افشار» نشست «جایگاه و

اهمیت سفرنامه‌نگاری در ایران‌شناسی» برگزار

می‌شود. مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری

کتابخانه و موزه‌ملی ملک نشست «جایگاه و اهمیت

سفرنامه‌نگاری در ایران‌شناسی» را در روز چهارشنبه

۱۶اسفند سال جاری برگزار می‌کند. نشست

«جایگاه و اهمیت سفرنامه‌نگاری در ایران‌شناسی»

روز چهارشنبه ۱۶ اسفند از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۸

در موسسه کتابخانه و موزه ملک واقع در خیابان

امام‌خمینی (ره)، خیابان ملل متحد (باغ‌ملی)، موسسه

کتابخانه و موزه‌ملی ملک برگزار می‌شود. بازدید از

موزه و نمایشگاه ویژه سفرنامه‌نگاری نیز از ساعت

۱۴:۳۰ تا ۱۵:۳۰ در حاشیه این نشست برگزار خواهد

شد. حضور در این مراسم برای عموم آزاد است.